

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصبریی، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۴۷۰ •
نمبر: ۸۸۹۲۵۴۶۷ •
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۹ •
تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴ •
توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز
تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ •
چاپ- مصمیم
تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵

www.sharghdaily.ir

سه‌شنبه ۱۹ مهر ۱۴۰۱
۱۴ ربيع‌الاول ۱۴۴۴
۱۱ اکتبر ۲۰۲۲
• سال بیستم
• شماره ۴۳۹۱
• ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۱:۵۱
• اذان مغرب ۱۷:۵۳
اذان صبح فردا ۴:۴۵
• طلوع آفتاب ۶:۰۸

روزنامه شرق

دیالوگ روز

رائنده تاکسی - مارتن اسکورسزی -۱۹۷۶

تراویس (رابرت دنبرو): تنهایی همیشه منو تعقیب کرده، در تمام طول زندگی‌م... همه جا، تو کافه، ماشین، خیابون، مغازه، همه جا... راه فراری نیست...

منن مرد تنهایی خدام.حالا بسه وضوح می‌بینم. زندگی‌م رو به خط صاف پیش میره به سمت یہ نقطه مشخص. هیچ‌وقت هیچ انتخابی نداشتم.۱۲. ساعت کار، باز هم خوابم نمی‌بره... لعنتی، روزا فقط می‌گذرن... تموم نمی‌شن.

صاف و ساده

راهی برای ترمیم گسست ارتباطی با دهه‌هشتادی‌ها هست؟



قادر باستانی

مدرس و پژوهشگر ارتباطات و رسانه

سکه‌یابیز ۱۴۰۱، به نام دهه‌هشتادی‌ها ثبت شد. من پسری ۲۳ساله و دختری ۲۱ساله دارم و می‌خواهم درباره تجربه زیسته‌ام با هشتادی‌ها بنویسم. این جوانانی که سعادت و به‌ورزی خود را بیرون از وطن جست‌وجو می‌کنند. مردان و زنانی که آخرین سعیی خود برای اصلاح را در خیابان دیده‌اند و در تلاش‌اند بگویند که ما هم هستیم. آنها تلنگری به ما زدند که مرور کنیم که کجا را اشتباه رفته‌ایم.

آنها در برابر رسانه و تبلیغات، رو‌بین‌تن شده‌اند. نه درس و مدرسه، نه موزه و کتاب، نه آموزش رسمی و نه تبلیغات پُرجم رسانه‌ای، تغییری در احوالات‌شان نکرده و نمی‌کند. سبک زندگی خودشان را دارند. باورمند هستند و انسانی رفتار می‌کنند؛ اما باورهای‌شان، فرسگ‌ها با قرأت رسمی فافله دارد. این نسل، غالباً فرزندان آن دهه‌پنجاهی‌هایی هستند که جان و جوانی خود را فدأ کرده و تمام حرمان و درد و افسوس‌شان را مثل لالایی در جان و تن این نوباوگان ریخته‌اند. این جوانان خودشان را با همسالان مسلمان اماراتی و کویتی مقایسه می‌کنند. با هم‌نسلان چینی و هندی‌شان مقایسه می‌کنند که شرایط متفاوتی دارند. ابزارهای سعادت‌مندی برایشان مهیا شده و آینده مطمئنی دارند؛ اما اینها برای خود جز وعده و حرف، افقی پیش‌روی‌شان نمی‌بینند.

دهه‌هشتادی‌ها چشم باز کردند تا میراثی را دیدند که هرچه ساساخوردتر می‌شوند، بیشتر به میز قدرت می‌چسبند و محکم‌تر و مطمئن‌تر، وعده به‌ورزی می‌دهند؛ ولی آنچه عملاً اتفاق می‌افتد، با آنچه گفته می‌شود، هیچ تاسمی ندارد. برایشان آموزش‌های مخزنی و میمأز اطلاعاتی فایده‌ای نداشته‌است. این نسل مانند پدرانشان، درگیر سنت نبودند. به مدد ابزارهای ارتباطی، در دنیای کاملاً متفاوت از گذشته، سیر کردند و با همسالان خود در اقصانقاط دنیا ارتباط گرفتند. آگاهی آنها فرای تصور ماست. تعاملات‌شان هم شبکه‌ای و بدون مرز است. زبان مشترک با هم‌نسلان خود در دنیا یافته‌اند و جنس و طبقه و رنگ پوست و نژاد، مانعی برای ارتباط‌شان نبوده. در شاخه این نسل کوتاهی دیدیم؛ دهه‌پنجاهی و دهه‌شصتی، سربه‌زیر و حرف‌شنو را دیدیم و همان انتظار را از این نسل داریم.شاید دلیل عمده گسست ارتباطی، انتظاری است که این نسل صادق و صریح از دولت‌مردان دین‌مدار دارد و این رعایت صداقت و روراستی است؛ برخلاف حکمرانی عرفی که سیاست، مترادف فریب است. لایذ آنها در سخن مدیران و محتوای رسانه‌های رسمی، گزافه و ناراست، یافته‌اند؛ چیزی که ما نسل‌های پیشین، آن را تعارف و ادعا می‌پنداشتیم و آنها بر نمی‌تایند.

ما کنشوری انقلابی هستیم. آرمان‌های بزرگی داشتیم و داریم. برای تحقق جامعه‌الگو و نمونه برای بشریت، از جان و دل تلاش کردیم؛ اما آنچه تاکنون به دست آمده، توان افتاع نسل جدید را ندارد. اهل گفت‌وگو نبودیم و دستوری و باسمه‌ای عمل کردیم. ارتباط ما همیشه یک‌سویه بوده، همیشه حرف زدیم و گوش نکردیم.

رسانه ملی، وظیفه ایجاد زمینه گفت‌وگوی ملی را داشته؛ اما در آن به جز مسئولان، آدم‌های ثابتی، یک‌طرفه حرف زدند و هنوز می‌زنند، حرف‌های تک‌راری و ملال‌آور که هیچ میل و رغبتی در مخاطب برنمی‌انگیزد و همیشه بر این روش اصرار ورزیده‌ایم. روزنامه‌هایی که خودشان را در جایگاه سخنگویی مقامات گذاشته‌اند و همواره با زبان تهدید و اعراب سخن گفته‌اند و می‌گویند. تلویزیون، غالباً خالی از نخبگان و فرزانگان بوده، دانشمندان و فضلان کشور، مهجور واقع شدند و هر نامردی و ناموفقیت و پستیرفت را هم راحت به دشمنان نسبت دادیم، بدون اینکه کوچک‌ترین انتقادی را متوجه عملکرد خود کنیم.

جوان امروز از من پدر می‌پرسد این موفقیت و به‌ورزی و سعادت کی حاصل خواهد شد؟ چرا شایستگی کتا گوشه افتاده‌اند و غیرشایستگی، میدان‌داری می‌کنند؟ چرا با این ثروت ملی، در تأمین معاش عادی مردم، عاجز ماندیم؟ آیا واقعاً بهترین و شایسته‌ترین افراد کشور ما، همین افرادی هستند که طوق وزارت و صدارت و وکالت بر دوش دارند؟ پس چرا در کار روزمره مردم وامانده‌اند؟ چرا دایره انتخاب مردم، مدام تنگ‌تر شده‌است؟ دلیل گریز نخبگان ما از کشور چیست؟ من جوابی به این پرسش‌های سخت ندارم. راست می‌گویند؛ چرا بعد از این همه سال، یک جوان نمی‌تواند آرزوی خانه وکاشانه و زن و زندگی داشته باشد؟ اینکه سهل‌ است؛ من می‌سازم، هم دیگه تون پرداخت اجاره خانه‌ای که سکونت دارم، نداشته باشم و مجبور به کوچ به حومه شهر شوم؟

چند روز پیش، تلویزیون ایرانیان مقیم کانادا را نشان می‌داد که فیلم‌برداری هوایی کرده بودند و تمام خیابان مملو از جمعیت بود که راهیمایی می‌کردند و من از خود می‌پرسیدم، هرکدام از اینها سرمایه انسانی ایران هستند، پس چرا رفته‌اند و توان و استعدادشان را از میهن خود دریغ کرده‌اند؟ واقعیت آن است که ارتباط نسل نو با دولت، بعد از دوران جنگ، ترک برداشت. در سال‌های اصلاحات که مطبوعات، بستر گفت‌وگویی فراهم آوردند و جوان‌مرگ شدند، این ارتباط بین‌نسلی، دچار شکاف شد؛ آن زمانی که تمام خواسته جوانان دانش‌جوی مورد حمله واقع‌شده در کوی دانشگاه، عزل رئیس پلیس و رفع توقیف روزنامه سلام بود و هیچ‌کدام مقبول واقع نشد و آن زخمی شد که چند سال بعد سر باز کرد. در جریان انتخابات ۸۸، توصیه‌های منتقدان آخرین خطبه هاشمی برای گفت‌وگو با جوانان معترض، با مورد توجه قرار نگرفت و اینک ما هستیم و دهه‌هشتادی‌هایی که دیگه با هم زبان مشترک نداریم و دچار گسست ارتباطی شده‌ایم.

ما هنوز راه بازگشت به آرزمان‌های‌مان را داریم. انقلاب ما، طغیان علیه استبداد پهلوی بود، نماد و نشان انقلاب ما، جلسات پُرشور گفت‌وگوی محترمانه‌ای است که میان شهید بهشتی با چپ‌ها در قآب تلویزیون نشست و در خاطر مردم ماند. اسلام دین گفت‌وگوست. سیره امامان ما گفت‌وگو بوده و ما از آن غفلت کردیم. طبیعی است که از شلغویی و آشوب، جز ضرر و خسران، نفعی حاصل نمی‌شود؛ اما اگر راه گفت‌وگو بسته شود، چه راهی باقی می‌ماند. زبان آمرانه را کنار بگذاریم، کنار دختران و پسران‌مان بنشینیم و حرفشان را با جان و دل گوش دهیم و با رعایت آداب گفت‌وگو، پلی‌های خراب‌شده را از نو بسازیم. برنامه‌های گفت‌وگومحور، مثل همین شیوه در شبکه چهار تلویزیون، به جای آنکه در متن حادثه به روی آنتی برود، روال همه رسانه‌های رسمی باشد. برای سعادت ایران و ایرانی، از برج عاج پایین بیاییم و با جگر گوشه‌های‌مان، صادقانه همراه شویم.

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصبریی، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۴۷۰ •
نمبر: ۸۸۹۲۵۴۶۷ •
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۹ •
تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴ •
توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز
تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ •
چاپ- مصمیم
تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵



● **شازده هزار هکتار از اراضی استان زنجان را تاستان تشکیل می‌دهد که انواع انگور فخری، شاهانی، یاقوتی، عسگری، بی دانه سفید و قرمز سالانه برداشت می‌شود**

عکس:مرتضی اباسی/ فارس

فعالان رسانه‌ای شغل خود را از دست داده‌اند. روزنامه‌نگاران زن بیشترین آسیب

را متحمل شده‌اند؛ از هر پنج نفر آنها، چهار نفر شغل خود را از دست داده‌اند. بر اساس این گزارش درحال‌حاضر هیچ خبرنگار زن در ۱۵ ولایت از ۳۴ ولایت افغانستان وجود ندارد. همین چند روز پیش، طالبان محدودیت‌های جدیدی را برای زنانی که در رسانه‌ها کار می‌کنند، اعمال کردند:

- خانم‌ها و آقایانی که با هم برنامه‌ها را اجرا می‌کنند، از این پس باید جدا باشند.
- زنان حق مصاحبه با میهمانان مرد را ندارند.
- زنان خبرنگار باید لباس مشکی بپوشند.
- فضای کار زن و مرد نباید یک جا باشد.

هیچ‌کس جز یک افغان نمی‌تواند بفهمد که مردم افغانستان در یک سال و یک‌ماه گذشته چه روزهای سیاه و کثیفی را دیده‌اند. دنیا فقط عکس‌های وضعیت را می‌بیند اما هیچ‌کس جز یک افغان نمی‌تواند احساس کند که این تصاویر چقدر دردناک است. نمی‌توان این واقعیت را نادیده گرفت که افغانستان در شرایط بسیار بحرانی به سر می‌برد و در کنار همه مشکلات، مسئله اقتصاد یکی از نگران‌کننده‌ترین مشکلات این روزهاست. بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی نسبت به افزایش بحران اقتصادی در افغانستان پس از حکومت طالبان هشدار داده‌اند. در زمان حکومت طالبان در افغانستان، حدود ۵۰۰ هزار نفر که بیشتر آنها در زنان تشکیل می‌دهند، شغل خود را از دست داده‌اند و نرخ بی‌کاری مدام در حال افزایش است. پس از به قدرت رسیدن طالبان در اگوست سال گذشته، بخش‌های تجاری و اقتصادی به‌شدت آسیب دیدند. کمک‌های بین‌المللی متوقف شد و حکومت طالبان با محدودیت‌های اقتصادی زیادی مواجه شد.

رو آینده چگونه خواهد بود؟

من واقعا دوست دارم آینده را با تصویری که در دنیای دخترانه‌ام دارم ترسیم کنم، افغانستان من با کوه‌های بلندش، بیابان‌های بزرگ و چمنزارهای سبزش. با دختران و پسران در مدارس، با همکاری زنان و مردان، والدین با فرزندانشان در خانه و خیابان، مادر بزرگ‌ها و پدر بزرگ‌ها در بیرون از خانه مجلس شبانه دارند. دهقانان در مزارع با کتری‌های چای سبزیشان. برقراری دوباره صلح واقعی، در افغانستان من.همی دادم که این امر غیرممکن به نظر می‌رسند، اما ناامید نیستم و معتقدم بعد از این تاریکی بزرگ که مردم مرا فراگرفته، روشنایی بیشتری همه‌جا را روشن خواهد کرد. نوری که اجازه ورود هیچ تاریکی دیگری را نخواهد داد. این رویا تنها آرزوی من بلکه آرزوی هر یک از ما افغانستانی‌هاست. چه کسی آزادی و صلح نمی‌خواهد؟ چه کسی دوست ندارد چشمان خود را به‌راحتی ببندد و بدون نگرانی از خوایی شیرین لذت ببرد؟ چه کسی نمی‌خواهد طعم واقعی شمشیر آزادی و امکان نشان‌دادن خود واقعی را بچشد؟ امروز مسئولیت خود را طنین «صدای مردم» می‌دانم و من از همه سازمان‌های ملی و بین‌المللی می‌خواهم که در کنار مردم افغانستان باشند.در طول تاریخ، جهان شاهد تمام بدبختی‌های افغانستان بوده است. جنگجویان و قربانیان واقعی تاریخ افغانستان؟ که زنان و کودکان هستند را تنها نگذاریم. تلاش‌های ما به ثمر می‌رسد و روزی دوباره از تلاش‌های شبانه‌روزی‌مان خواهم نوشت. دست مردم افغانستان را از گوشه‌وکنار دنیا بگیریم و نگذاریم این روزهای وحشتناک را به‌تنهایی تحمل کنند، یکی از مفیدترین کارهایی که می‌توانیم انجام دهیم، این است که بگوئیم؛ ما با شما هستیم!

هنر خوانی

پاسپورت‌هایی که آزاد نشد

این روزها هنرمندان و سینماگران در شرایط خاصی قرار دارند یا باید برای پاره‌ای توضیحات در نهادهای خاص حاضر باشند مانند حمید فرخ‌زاد یا مانند همایون شجریان و مه‌ران مدیری به محض ورود به کشور با برخوردهای خاص روبرو شوند. هرچند خبرگزاری ایسنا اطلاع داده بود که مشکل این افراد حل شده اما بهمین بازآازه از خبرنگاران حوزه موسیقی خبر داد که تحویل پاسپورت «همایون شجریان» هنوز ممکن نشده است. یکگیری‌های او نشان می‌دهند هنوز پاسپورت‌های این خواننده و سحر دولت‌شاهی همچنان در توقیف است. همچنین به گزارش ایسنا مکیل مدافع شروین حاجی‌پور گفت که مولکش به «فعالیت تبلیغی علیه نظام» و «ترغیب و تحریک افراد به اعمال خشونت‌آمیز» متهم و با دستور قضائی، شش ماه از کشور ممنوع‌الخروج شده است. «مجید کاوه» وکیل این خواننده جوان نوشته است: «پس از آنکه دو اتهام فعالیت تبلیغی علیه نظام و ترغیب و تحریک افراد به اعمال خشونت‌آمیز توسط شعبه ۱۱ بازپرسی دادسرای ساری به شروین حاجی‌پور تفهیم شد، او با تبدیل قرار بازداشت موقت به وثیقه به مبلغ یک صد میلیون تومان آزاد شد. به موجب قرار نظارت قضائی، دستور منع خروج او از کشور به مدت شش ماه صادر شد». شروین حاجی‌پور که ۱۲ مهرماه با تبدیل قرار بازداشت به وثیقه خراب داده بود آزاد شده و در روزهای گذشته نیز بدونیی درباره اینکه در ایران خواهد ماند منتشر کرد. حامد بهداد و چند سینماگر دیگر نیز در این مدت شرایط سختی را تجربه کرده‌اند. در این میان «روح‌الله سهرابی»، مدیر کل دفتر نظارت بر عرضه و نمایش فیلم سازمان سینمایی، ضمن اشاره به برخی فشارها به اهالی سینما برای موضوع‌گیری‌های خاص، در گفت‌وگو با خبرنگاری مهر اعلام کرد: «شهرت سلبریتی‌ها، همان‌قدر که نقطه قوت آنهاست، پتانسیل آن را دارد که تبدیل به نقطه ضعف آنها شود. به همین دلیل این سرمایه‌های همواره در معرض تهدید و آسیب، باید به‌صورت ویژه مدیریت و البته حمایت شوند». وی همچنین درباره این مدیریت در مصاحبه‌اش چنین توضیح داد «تک‌تک مدیران سازمان از رئیس سازمان گرفته تا مدیران دیگر، از همان ابتدای امر وارد گفت‌وگو و تعامل با هنرمندان و سینماگران شدند تا ضمن تشریح اوضاع و تحلیل شرایط به‌وجودآمده، نسبت به مدیریت فضای به‌وجودآمده و عدم همراهی با برخی جریان‌های معاند و خطرناک مراقبت کنند».این مسؤل هرچند تاکید کرد که خبری از ممنوع‌الکاری بازگرم یا سیمناگری دریافت نکرده اما توضیح داد که این مسئولیت بر عهده نهاده‌ا و ارگان‌های دیگر است و سازمان سینمایی شبانه‌روز برای حل مشکلات سینماگران در این مدت در تلاش بوده است. وی توضیح داده است: «روند تولیدات سینمایی و حضور عوامل مختلف از جمله بازیگران در صحنه، روال طبیعی و مرسوم خود را طی می‌کند و تا این لحظه که در خدمت شما هستیم، لااقل بنده گزارشی از ممنوعیت یا محدودیت برای کسی در عرصه تولید آثار سینمایی دریافت نکرده‌ام. ضمن اینکه سازمان سینمایی مرجع چنین تصمیماتی نیست و فعالیت‌های فرهنگی و هنری افراد است که در این سازمان پیگیری و مدیریت می‌شود. بنابراین مرجع رسیدگی به فعالیت‌های دیگر اعم از سیاسی یا امنیتی هر فعالیت دیگر به ارگان‌های دیگر مربوط است و از حیطة اختیارات و وظایف سازمان سینماهی خارج است. هرچند این موضوع به معنی عدم پیگیری و عدم تلاش حداکتری مسئولان سازمان برای حل مشکل سینماگران در سطحی مختلف نیست کم اینکه در همین ایام هم همکاری بنده در سازمان به‌طور شبانه‌روزی پیگیر حل‌وفصل مسائل و مشکلات این قشر بوده‌اند.» از سخنان این مسئولی می‌توان دریافت که چه میزان فشار و مشکل برای سینماگران پدید آمده است که نیازمند حل‌وفصل مشکلات به‌صورت شبانه‌روزی شوند.

می‌خواهم افغانستانم باز گردد



راحل سیا

جهان است. پس از ۲۱ سال دوباره تحت حاکمیت امارت اسلامی است. این مطلب یک زن افغان است که می‌خواهد واقعیت کشورش را با ذکر تمام اتفاقات منفی در یک سال و یک‌ماه گذشته بازگو کند. حدود ۴۱۰ روز است که مردم افغانستان به ویژه زنان و کودکان از ابتدایی‌ترین حقوق خود محروم بوده‌اند. حق تحصیل از دختران سلب شده است و آینده چیزی جز تصویری تاریک به نظر نمی‌رسد.

وضعیت قبل از طالبان

در طول ۲۱ سال قبل و پیش از به‌قدرت‌رسیدن طالبان در سال گذشته، مردم افغانستان به‌ویژه زنان از زندان آهنین طالبان بیرون آمده بودند و برای حقوق اساسی و حقوق بشر خود به مبارزه پرداختند. با تمام قدرت و اشتیاق درس می‌خواندند. آنها به سیاست پیوستند و در جامعه فعالیت‌های مدنی انجام می‌دادند. آنها با خشونت پنهان و آشکار مبارزه کردند و برای به‌دست‌آوردن هویت و آزادی خود، تلاش و فداکاری‌های زیادی کردند.زنان افغان به مدت ۲۱ سال توانستند تا مقطع دکترا تحصیل کنند، وظایف شهروندی خود را انجام دادند و در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در حد نامزدی برای ریاست‌جمهوری شرکت کردند. به مدت ۲۱ سال، مردان به‌تدریج پذیرفتند که زنان نمی‌توانند در خارج از خانه، دوشادوش آنها در سازمان‌های دولتی و خصوصی کار کنند. در این مدت بسیاری از مردان افغانستانی که در کشورهای همسایه پناهنده بودند به کشورشان بازگشتند. اگرچه آنها همیشه روحیه مردسالارانه داشتند اما مجبور بودند این واقعیت را بپذیرند که قرار نیست زنان در خانه محبوس شوند. زنان افغانستان با وجود اینکه حتی در محیط کار با تهدیدهای زیادی مانند آزار و اذیت در خیابان، تجاوز، تهمت و افترا مواجه بودند اما هرگز از تلاش برای آزادی خود دست برنداشتند.

و باوجود همه چالش‌ها، زنان و مردان افغانستان در تمام عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دستاوردهای چشمگیری داشتند. افغانستان رفته رفته رنگ‌پوبوی توسعه یافته بود. با وجودی که مشکلاتی وجود داشت و جنگ در تمام نقاط افغانستان جریان داشت (و قربانیان اصلی جنگ زنان بودند) اما مردم افغانستان همچنان به آینده امیدوار بودند.قبل از سال ۲۰۲۱، افغانستان به لطف هزاران کیلومتر جاده، خطوط هوایی، امکانات و اینترنت به سمت مدرن‌شدن پیش می‌رفت. مردان و زنان جوان بر این باور بودند که با ارتقای سطح تحصیلات، بهداشت و استاندارد‌های زندگی، آینده‌ای روشن در انتظارشان است.

در تابستان ۲۰۲۱ چه اتفاقی افتاد؟

از پنج تا ۱۴ اگوست ۲۰۲۱ ولایات افغانستان یکی پس از دیگری سقوط کرد و سرانجام در ۱۵ اگوست، شبه‌نظامیان طالبان افغان وارد کابل شدند و کنترل این

اتفاق خوانی

ایرانی‌ها از شینگن محروم شدند؟

در روزهای گذشته کشورهای آلمان، اسپانیا، برزیل و استرالیا همه تروهای خود را به مقصد ایران به صورت کامل لغو کرده‌اند. کانادا، اتریش و انگلستان نیز درباره سفر به ایران، به شهروندان خود هشدار دادند و از آنها خواستند تا به ایران سفر نکنند. کشورهای اروپایی نظیر فرانسه نیز از شهروندان خود خواسته هرچه زودتر ایران را ترک کنند. در این راستا همچنین دیروز خبری منتشر شد که طبق آن اعلام شد مدتی است که در تهران ویزای شینگن صادر نمی‌شود؛ خبری که واکنش‌های گسترده‌ای در شبکه‌های اجتماعی و البته از سوی مسئولان نسبت به آن صورت گرفت. به گزارش ایسنا، بنا بر آنچه حرمت‌الله رفیعی، رئیس هیئت‌مدیره اتجمن صنفی دفاتر خدمات مسافرتی ایران، اعلام کرده است، برخی سفارتخانه‌های اروپایی، به‌ویژه در حوزه شینگن، بدون اطلاع رسمی و در تصمیمی که بیشتر شکل غیررسمی دارد، رسیدگی به درخواست خود و از راعلاً متوقف کرده و صدور ویزای شینگن را به حالت تعلیق درآورده‌اند.مسئول یکی از آژانس‌های گردشگری در تهران به ایسنا گفته است:

«رسیدگی به درخواست ویزا از سوی تمام سفارتخانه‌های حوزه شینگن، مدتی است که متوقف شده و نوبت جدید هم داده نمی‌شود. پیش از این اقدام محدودکننده، تعداد ویزا‌هایی که ریچکت یا رد شده‌اند، از سوی برخی سفارتخانه‌ها – ازجمله فرانسه – در قیاس با دیگر زمان‌ها،

بیشتر بوده است». در شبکه‌های اجتماعی نیز برخی افراد از تجربه‌های خودنوشته‌اند که طبق آن تعیین وقت اینترنتی برای درخواست ویزای شینگن از سفارتخانه‌های کشورهای اروپایی با شرکت‌های مرتبط با آنها غیرممکن شده است.همچنین به گفته مسئول ویزا در یکی از آژانس‌های تهران به ایسنا، روند رسیدگی به درخواست‌های ویزا از سوی سفارتخانه‌کشورهای اروپایی (حوزه شینگن) مستقر در ایران متوقف شده و امکان گرفتن نوبت ویزا از این سفارتخانه‌ها تا پایان ماه اکتبر (حدوداً دهم آبان‌ماه ۱۴۰۱) وجود ندارد.تاکنون از سفارتخانه‌های فرانسه، هلند، آلمان، ایتالیا، پرتغال، اسپانیا، چک، سوئیس و سوئد به‌عنوان کشورهایی که صدور ویزا را برای اتباع ایرانی، در پی ناآرامی‌های اخیر، به حالت تعلیق درآورده‌اند یا گرفتن نوبت رسیدگی به درخواست ویزا را از دسترس خارج یا محدود کرده‌اند، نام برده شده است. سفارتخانه‌های این کشورها تاکنون واکنشی درباره‌این نداشته‌اند؛ اما مرکز رسیدگی به درخواست ویزای فرانسه در تهران (وی‌اف‌سی گل‌وبال) حدود ۱۰ روز پیش به تاریخ ۲۹ سپتامبر ۲۰۲۲ برابر با هفتم مهرماه ۱۴۰۱ در اطلاعیه‌ای از توقف رسیدگی به درخواست‌های ویزا خبر داده بود. این مرکز «اختلال اینترنت» در ایران را علت این اقدام اعلام کرده است. علاوه‌براین، احتمال یازافتن طبیعی ریسک مهاجرت در روزهای آرام و معشوش ایران، مطرح شده است.همچنین هرچند «ناصر کتغانی»، سخنگوی وزارت امور خارجه ایران، از این موضوع ابراز بی‌اطلاعی کرده؛ اما در جملاتی تهدیدآمیز اعلام کرده است: «اقدام محدودکننده کشورهای اروپایی برای سفر شهروندان ایرانی قابل قبول نیست» و معتقد است: «ایجاد محدودیت برای سفر شهروندان ایرانی از سوی کشورهای اروپایی مغایر با آن چیزی است که آنها اعلام می‌کنند، آنها از یک سو بر موضوع رعایت حقوق شهروندان ایرانی تاکید می‌کنند و از سوی دیگر محدودیت‌هایی را برای سفر شهروندان ایرانی ایجاد می‌کنند، این رویکرد متعارض است و امیدوارم این خبر درست نباشد.»همچنین عباس یاقریور، سفیر ایران در اتریش، در توییتی نوشت: «اگر درست باشد، نشان می‌دهد که مواضع رهبران اروپایی در به‌اصطلاح حمایت از مردم ایران در عمل چگونه ترجمه می‌شود».شینگن، یک ویزای واحد است که با استفاده از آن تحت شرایط خاص و در مدت‌زمان مشخصی به حدود ۲۶ کشور عضواتحادیه اروپا بدون محدودیت مرزی می‌توان سفر کرد. برخی از این کشورهای اروپایی در دهه‌های اخیر، با توجه به شرایط سیاسی و اقتصادی ایران، شرایط بسیار سختی را برای اعطای ویزا به ایرانیان، وضع کرده‌اند.